

صاحب امتیاز  
و مدیر مسئول  
دکتر اسمعیل  
اردلان.

# کوشش نامیه تفصیلی کوشش

بپیچ حزب -  
دسته یا جمعیتی  
بستگی ندارد

سال اول - شماره ۱۲

شنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۲۴

تک شماره ۴۰ ریال

## استقلال کرد

ظلم و ستم چند ساله اعمال بیرحانه و شیانتکارانه اکثریت ذمالمع مامورین دولت مردم کردستان را بجان آورده. فریاد های شکایت آئین و آستانه های مکرر این مردم پر دولت مرکزی کوچکترین اثری نهبشیده. سرنوشته کردانه پیش بدست گروهی ماموران نادان خود فروخته و جاه طلب سیرده شده است.

تاریخ شش هزار ساله ایران بگانه معرف مدینت و سر بلندی این کشور در نظر اولیای دولت و مسئولان امور خارج کشور ضمیمه و نماند زیرا قشرهای افروخته کرد و خاک چیزی بیش نیست. آندی که آندی که در این مملکت می دانند ، آندی که در این کشور امر و نهی میکنند آندی که نظم در دست گرفته دستورات صادره را اوضاع مینمایند هیچکدام باین فکر نبوده و نیتند که کرد و غیابان تاریخ نفیس را پاک کرده دو خلل اوران آن خنای مطالع کنند باطلا از چو کونگی و خنای این کشور در ازمه مصلحت فکری زمامداری در حال حاضر باشند.

من اولیای امور را مغایب قرار داده میگویم شما که خود را ایرانی میدانید و دهر و مملکت دم از وطن پرستی و ایران دوستی میزنید چرا این مدعی را در عمل به ثبوت نبرساید.

اگر خود برده نداری بگرواقتا ایران را دوست میارید و اثر بیظمت آن غلامانده چیرا سی نیکبختانی که در این کشور می دهم با دقت مورد توجه قرار داده دستوراتی صادر کنی که می دهم بجان کشور و اهل آن مملکت بماند.

برای سلب مسئولیت از خود و برای اینکه مظاهر انجسام وظیفه نوبن خود را نشان دهیم و برای اینکه بپروانه تشکیل شود که در آن اوضاعی چند از شما به یادگار بماند می بکنید بویسید

نظر دولت است. دولت کردستان را منطقه حساب و لازم و قابل توجه و دوست داشتنی میدانند. دولت خدمات تاریخی اگر ادرار نظر گرفته که چنانکه بخواهی هم تا بحال مامورین کرده اند باید فراموش کرد.

ما سعی کردیم در مطالبی این مسامحه دولت و این نظریات خصوصی که عده ای از مسئولین امور ا-ال مینمایند مردم سلساطق کردستان را و بجزیره و بازهم انتظار دولت کنیم تا نمایند در طرز این عمت اشخاصی معلوم و بنظر برسرا آید و بتواند نهرهای مردم را بشنود ، و بطنه آنچه را مامینوسیم.

در این مدت ما ارد کر و بیان خنای تظنی خوداری کردیم زیرا یادداشتی درین برده یا اگر بوده فرصت و مجاز و سیدگی بکار نداشته حال که دولت جدید برسرا آمده توجیه را بدو بیکه مسئله اساسی و حیاتی جلب میکنیم و آن مسئله « استقلال کرد » است.

در یکی دو هفته قبل در دو سه روزنامه مرکز مطالبی واضح با استقلال کرد چاپ شده بود این چند روزنامه اصل موضوع را از روزنامه کربان چاپ و ضرفه نقل و یا با مختصر تبیر و تذکره چاپ کرده بودند.

ما میخواستیم این مطلب را به تکذیب کنیم تا تصدیق زیرا اگر تکذیب کنیم میگویند چون روزنامه را بکنتر کرد میبوسد و مطالبی که میبوسد برای دفاع از حقوق اکراد است بکظرفه تضاد کرده و حقایق را منکوم داشته است اگر هم تصدیق کنیم باطلی که از جریان اوضاع و احوال داریم بیکه موضوع دور از ذهن و فکر و عمل را گواهی داده ایم و برخلاف افکار عمومی وقت و تظ بی جانی کرده ایم.

ما مریضا میگویم مسامحه دولت اولیای مسئول مملکت بیش از این جایز نیست با مقدرات مردم زحمت کش و بردبار بیش از این نشود بازی کرد . بیش از این نشود بگراوشهای بی منی چند نفر خائن شاه و ملت و مملکت ترتیب اثر داده اگر ا- ایرانی را نباید فدای هوس رانی چند نفر نبود ، اظهارات غرض آلود و جاهلانه چند نفر موجب نستیبه را نیایه شاخ و برگ داد .

دولت اگر واقعا بفکر مملکت و مردم است باید بیدار باشد اینگونه مسائل را رد سیدگی و تخنیک کند . دولت با احترام هیئت باید بچگونگی امر ، صحت یا ستم آن واقف گردد . در انتخاب هیئت اجزائی باید دقت کند زیرا این هیئت مکی است ذنوع باشد.

۱- هیئتی برای تشکیل و اوله مرکب از اشخاص اولیای مانه سربین لنگر برشته افشار ، سرهنگه بایندر و مثلا سرگردی که بازم بازرسی کردستان اعزام میشود ولی مامورین دارد راجع به انتخاب نلان برای وکالت زمینه سازی کند چنین هیئت گراوشی بهین قرار خواهد داد .

کردستان بملای مستقل ، دارای یک پادشاه کرد ، بکشه هیئت دولت ، قوای تانیبه ، مامورین مسلح در مرزها و ... است بطوری که قطع باینده لنگر می توان بکند کردستان وارد شد و باید بلافاصله پس از آن نبردهای خونین همه ای محسوسا از اعالی مراباد را توفیق و با اعدام نمود و فوراً خلخ سلح امری شروع گردد.

اخبار داخه

شکلیت هیئت دولت

آقای ار هم حکمی نخست وزیر هیئت دولت را بشرف زیرین و بجای خود برای معرفی کرده. آقای عبدالعزیز موزر وزیر داخلی آقای دکتر مهران وزیر پارلی آمانی ندراسته. وزیرانه آقای ابوعلوهان سیهی وزیر خارجه آقای ابوالکلام جم وزیر باورگسی و پشه وزیر هنر آقای صلاحی هسن وزیر فرهنگ آقای سرفه سلط بکر وزیر کشاورزی آقای معطر عدل وزیر مشاور آقای سیمای کمال هدایت وزیر مشاور آقای مبارک صالح وزیر دارگستری وزارت کسور را خود آقای نخست وزیر بعهده آر خواهند بود. وزیر دست و تکرف هم به آقای تجین خواهد شد.

شرفایی برای عرض شادباش ۱- ده مریخ ه شنبه ۲۰ ه هیت سایندهکن سیاسی دل متق در کاخ اجری حضور امیضت هابون شهنشاهی برای عرض شادباش بایان جنگه اروپا مراتب شندو آقای مری کبیر انگلیسی مندرالفر اینتریک عرض نمودند. شرف فرمائی با اینگاه تهران عصر روز ۱ شنبه ۱۶ المیضرت هابونی باینسنگاه و آنهزبان تریف فرما ویس از بازید نسنهای منتنه امیضرت هابونی بتنا بت شده تیکه.

راه آهن ایر زیسته بایری نیابری روزی اجام دده است بلکه ده شاد در ده اول لیفت به بنگه راه آهن ذرنلی ایبران اهضا فرمودند.

چراغانی و آتش بزنی

روز ۱ شنبه تعطیل مو روشن بود آتش بازی و چراغانی در میدان سپه پریا و عویم طریان با شانلی و سره و پهلنگر بایان جنگه را تظییبت آهینده. جشن پرورزی در کاخ وزارت خارجه بنیادت بایان جنگه از طرف آقای نخست وزیر جشن باشکوهی در وزارت خارجه برپا و آقای ابوعلوهان وزیر مجلس ساین تیرانه ه حضور داشته اند در این مجلس شب نشینی کتا باسی از شهربان داشت اندر آقای مکی نخست وزیر و آقای ابوالاراده و علی مینوعی در باره بایان جنگه و غلبه عدالت و آزادی اراد او

انصایات در وزارت دارگستری آقای مریضی سخران بست دادستانی شهردان سستان آقای لی فری دوست ریاست بده دادگستری برنشت آقای جلال الدین بیروزی بست دادستانی شوبن بویش آقایان بیروزه تقاضی شاینده تپت کر این بست شامان داد گه پیش در حق بیاسی آقای م ه شهنشاهی بست داری داروسرای جهان کبر ایجابی جمال الله بنری بست و ده شان بدوی نظامی موفت تو ان آقای حسین پایانی بست مستاری دادگم استان و مع آقای ماسم جنگت بست امات دادگوستری آقای تکراف بکانه بست امات دادگم سیرجان آقای حسین حبیبی کارته علی علی اکندتری کرستان بست امات دادگم پیش سفر مصوب شامانته.

ازسندج

تکرانی باهضای آتابان موسی خالی عبدالوهاب ختالیان یونس خاسی مصوب هریان - ایوانامس - رحمت الله عبدالصمد دارد ترکلی - محمد رحیب - محمد سعید شاهورسی - سعید شامووس - و صغار حبیب الله هرزیان - عباس جللی رسیده و بر امتهارات آقای حسن زوایی اعتراض شونده ه تنهت که باوجود این که مدت چهار سال است مرتبا شکایت می کنند کسی رسیدگی بشکایات نان شونده و املاکشان در نجه زاوور و کلانتران هجنان در ترفند خدمت ای از برای هامت و تانها شونده دولت باین وضعیت رسیدگی نیاید.

مشرقیب در سه باریه برداشت وجه افتراک می توانسته آقای صدیق سلمی داننده وسی نامه گوشان مراتبه امیضند.

در این هفته یکی از دوستان ازسندج کاغذی نوشته دوستانه تذکره داده بود که فلان شخص شکایت بجا و اظهارات هاری از بیستی نوشته وشامهد روز نامه درج کرده بد ویان امر ذمه مریوک اتونی به دست بدمن باده است اما زانیکتر دولت به منطی این دوست مستمکران و وزیر هفتا کار دارم مطالبی را که لازم میدانه تذکره نمده ماسم سعی میکنیم مورد توجه قرار دهیم.

واجم بشکایات آن شخص شکایت یا بجاست یا بجا اگر بجاست در حق مایه و اجم میشود اگر بجاست توجه مد کوس میفهمه پیش هر برای بدست معالین خواهد داد ۱۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ نه و وامیبت مروضع در او شن ساز شده.

شهربایان جنگه اروپا و جدید شستون آمده ای در مردم ایجاد شونده. نخست وزیر رئیس مجلس سنا سبیت خانها با فلن جنگه اروپا با فلن هائی در مجلس شورایی ای براد کردندیک روز ادارات دولتی تعطیل و برجهای مال متفق فر غزاعبارت و ایشیه به اهتزاز در آمده بود.

مواظ حرکات بود که میداید برای فردیک میفهمه مینه آه مون کلا لریهک گشت بر یارک باصمدی ایلمی بزبان انگلیسی گفت هر بست نکلید ۱۱۱۱ اعتراض که خام کلانه پنج سفارش بود او را بسیار متعجب ساست بر اضطراب درویش افزود.

توجه و نگارش آقای تصور هانلواری

مقاوم دزدان

اوجر گز آت دلس نی آشاده و در مقابل تپتل حضرت مریزم زانو در نی آید بیج و رکت بر همه گز لفظ حضرت فریاد کرد: بیچوچه این حرف بقیبت ندارد. در واقع او از نوعی این طبل بکسی که روز او کت و سالیجه بوده و بسیار در غم شده بود - بطور این حرف بقیبت زده مادم من گفتم من خود زیرکت آن آرزویدم اوجهر جرت بکر غمخشور لویا و هر گز به کاهان خود اعتراف میکنم در این وقت شام باشبان تو بجه انگلیسی ها گفتم در گوش بیکه بر کسی گفته چنه زبان خام کشور بداست. چنده حضور بظ مریسه خام کلانه عینه شایر بختند ندارد. فر هراس اضطراب ابتدائی را او گفته بود او بزچند مال هر کت بوهه هریس طرفیکه نادرش او طرف در شکه راهنالی بیکه در کمال سرمدت باهضند نادر و اجم توقف روهنانه مهالفت میبوند و اوسرمکت اروپیا با ما شورشاز کرد. بقول هندوسایل دستگیری مانواریاد آنان کر کنده الله عالم هزاره دیار بسوده که بصالح انده راهی آهینجه به نوزد و فریب و تالی له رفیق دزدان در ایران است گزش دادوهیاست شیده خود را در پار مریکه رگزار کنه چال دزدان سازمان.

مواظ حرکات بود که میداید برای فردیک میفهمه مینه آه مون کلا لریهک گشت بر یارک باصمدی ایلمی بزبان انگلیسی گفت هر بست نکلید ۱۱۱۱ اعتراض که خام کلانه پنج سفارش بود او را بسیار متعجب ساست بر اضطراب درویش افزود. بیکریه مثل اینکه پارلمانی شده باهض پلنده هغه خواست از در شکه باین پولی میانت هراس که باقیبت در اوجبگ کشته مانع از اجرائی آن میسده هغه خار کلانه که املا بد بسورت حرکت کند در و هراس کرده گفت. فر لفته من نی تو اجم مسالرت اتیم فریاده این ضمن مرا نسبت نار بنیاد با همتاد و خوشیفت لبوده، اوراست بیگوینده تو بجه هر بست کنیم هراس گشت مانو جان مدشن باقیفه که راه برای ما بیچو کوه خطری نهاده داشت ما هرجا بایم شهر از این بیفانده غراب هغه و غراب کت است علاوه اگر ما بخواهیم دواره از در شکه بیا ده شوم مورد تشهر این این مردم که - آرا نشانها میکنند فر از خویم گرفت - چروغی از در شکه چرکت در دست اسبهارا افناده و سافزین بیفانده معطر، صاحب آن، لیدا و واسفایل را در بی خود رجای گفته شد.

هراس از تصمیم خود چندان ششود نبوده و بعد اظی از اینکته باعث واقع نادرش همد بود در مقابل و ده فرسات با کلینت بست از بیب مال معرون نادرش را تشکر بکشوه و باین حال فرغ بصحت بود گفت که سار جان خدا میدیاید که وظیفه من این است نسبتو اتیم بگویم تا باید اضطراری تو به هشاد خود.

### خلاصه پیام مارشال استالین

رفقا! هم به هنا!

چون به من ایاری قول زده‌ای  
آلمان اطلاع داشته که پیش ها مغارله  
نامه‌ها را کف پا می‌دهند مگر کی ک حرف  
آنها اصدا داشته باهم در دست بودنا  
اینکه می‌ایمان آلمان این شاهزودت  
چاس و اجرای آن اسلحه و ارمین  
گذاشته و سپاهیان ما تسلیم دهند

این بیکر کف پا به لیست این تسلیم  
لاشرط و قید آسان است که امروز تحقق  
شود گرگه است گرچه عده از سپاهیان  
آلمان هنوز در چنگ انگواگی از ارض  
فومیوی و اس بیسکند ولی اربنا آرونی  
دللاور سرخ آنها را بپوش آورده و گوشائی  
سختی خواهد داد صاحب روینجا و نعل  
سختها و وحسانیک ملت ما در راه پیروزی  
کشیه امروز سلوم میشود که برانچه  
بوده و بیگاری که اهل اسلحه از متهای پاری  
بنا و استلال خود میگردند پیروزی  
براستلا چو آلمان ویرشترکاری آن ها  
منشی هند

رفقا! چنگ زرگی را که برای  
نجات مبین و حفظ استقلال خود آغاز  
کرده بودیم با پیروزی کامل مسا حانه  
پایت

دوره چنگ در اروپا با پایان رسیده  
از هم اکنون بریم بزنگ از ارض ملی  
افراد اروپا در اهتزاز است  
رفقا! آلمان شکست کالی خورد  
است. اتحاد شوروی مغر و پیروز از یکار  
بیرون آمد ولی درصده تجزیه و نابودی  
آلمان نیساید

هم میبازن عزیزان پیروزی را پیشا  
تیرنگ میگویم  
قرین اختصار و مباحثات یاد ارتش  
لیونودت سرخ که محافظ استقلال وطن مان  
میباشد چاره و زنده باد ملت بزرگ ملت  
پروژستماندا

چاو بود قرین اختصار باد ما هم ما مانی  
که در تیرد ما با دشمن از یاد آید و چنان  
خود را در آزادی و یکپختی نشانند  
کرده اند

## پیام اعلی حضرت فهمایونی

شکر خدا را که خوشبختانه  
زین است جنگ با ژاپن که کور متجاوز دیگر  
هم قریبا با شکست آن دولت با ن شو ه یافت

موقت مللی که برای آزادی دنیا داخل مبارزه  
شده اند مخصوصا منتهین بزرگ خودمان شان بزرگ است  
ملت ایران باید بیلتهای که در او با از قید بندگی آزاد  
شده و راعردانی که برای تحصیل این آزادی جانیازی  
کرده اند از صمیم لب تهنیت و درود بارسته  
اگر چه در این جنگ ارتش ایران وارد نبود و  
ما هم وضیت جفرانیاتی محسوسر ما انتضا داشت حق  
بشرکت در مبارزه و گنگ تعصی مبادرت کنته و اسی  
شکی نیست که در سه سال اخیر ملت ایران داخل در این  
تیرد نظیم بوده و باتمام وسایل موجود از قبیل راه آهن  
و راههای شوسه و نظارت ناگاری و اتراد کارگرواز  
و ایشیه و موسسات خود امکهای نابان کسره و منتعل  
صدمات و مشقات کلی شده است

مالا باید خوشوقت باشیم که ما در استمرار اس  
آزادی و عدالت که مقدود اصلی از این جنگه بسود  
مونتیت حاصل کرده ایم تا نیا فداکاری های ما مورد  
تصدیق و قدر دانی مان نافع قرار گرفته است چنانکه  
اقتضای تائید ما بران در هیئت مدبر و کنفرانس ساقرانسیکو  
از عالم این تصدیق است و ملزم میشود که ایران که  
سازمان جدید دنیا دینشل و عایدیه او دارای اهمیت است  
مللی که بر علیه آلمان داخل جنگ شدند بهیچ است  
مشردشان جلو گیری از تجاوز و خود سری برای وفالیت  
حفظ تمدن دنیا و دفاع از مین و حفظ آزادی و استلال  
کشور شود بوده و البته مقعود و مرام آنها عالی و مدنیس  
است

ایران هم که شیشه و مغذوب همین مرام گردیده  
و صدماتی تحمل کرده است باید از ثمرات فداکاری خود  
بهره مند شود

تاج رسیده ای که از این جنگ میتوان گرفت  
ایشست که ملزم شد تجاوز و زیر کشی در دنیای آزاد  
و عدالتخواه مردود و منجر بخواست سوم میگردد و نیز دیده  
شد که یوروهای که و حجت و یکسانی کل در بین مردم  
آن ها نیز چه صدماتی بیحیات علی و اختراعات تاریخی  
شود وارد نمودند البته ملت های بزرگ فاتح سعی خواهند  
نمود به از جنگه رواش بین همه مان ناسر شود که  
از منافع صلح عادلانه منتفع گردند

کثرت مردم که محتاج به ترمیم شراب ها و خوارات  
و مشغن نرمی و منتظر کتک و معاصات دیگران است  
و در عرصه حیوانیت دنیا بایسته وارد شود تکلیفش اینست  
که از افکار مسوم پیروز و فط اطاعت از قوانین و  
حفظ مصالح عالییه مملکت و اتحاد و یکسانی را شمار  
آین خود فرار بدهد تا بخواست خداوند و با فضیلت اقامت  
در سایه جابرورد عدالت اجتماعی به تحصیل موجدات زندگی  
باشند و تائین رفاهیت افراد ایرانی نبال گردد

### پایان جنگ اروپا

ساعت ۱۰:۱۵ با طر رسمیه گند  
رئیس جمهوری آمریکا از تلخ قند و نخست  
وزیر انگلستان بوسه داد و بوسه شانه بخت  
اروپا را لا پناهتند

استر ترومن رئیس جموری آمریکا  
می تلخی اظهار داشت: از ازل این جهانور  
من اطلاع داده‌است که نیروهای آلمان  
به دول متفق تسلیم شده اند، هر چه می  
آزادی دسر اسرا اروپا، هتراز در آینه  
است. برای اعزاز این پیروزی، اکنون  
ما باید هرگز غمناکه نمانیم که مارا در روز  
های تاریکی و هسری گرامشگر فداکاری کنیم  
از جهت فداکاری های باستانی که ما ای ازین  
بردرن برای و اما لیت او بعل آورده ایم  
سرور و شفق ناهدوداست هم عیبشان  
آر می کنیم. ما نیز عده ای را که  
از کورده توسط به سیانک ماست فروش  
کنیم هسیانگی که دار و نادر بریت  
آن نه ای هست آوردن آزادی شده است  
مانع نظیات و این وسیله کار و کوشش  
و خود را بعد از دست زدن تکلیف خود  
و اطمینان خود را کنیم

اگر من بخوام شاری برای همه می  
آپشها کنم من کسان شعار این خواهد بود:  
کار، کار و کار باشد  
ما برای پایان دادن جنگ باید کار  
کنیم پیروزی ما نتیجه است اروپا آزاد  
شد ولی آسیا هنوز در قید است و بی  
آشرفن لشکر ژاپنی بدون قید شرط  
تسلیم شد و قوت کار جنگی ما بسپایان  
رسیده است

سبب مثر ترومن ایتالیای و که  
مشتر بختانه یافتن جنگ اروپا بود اطلاع  
جهانیان رسانیده

مستر چرچیل نخست وزیر انگلستان  
در مقدمه سخن خود چگونگی اهای تراز  
ادرمار کنفرانس داد و افسرانی آنکه از طرف  
متنن این تراز را در ماه گذشته در لندن  
مسار جریتل گفت که درجه صلح خاور  
هنوز بین آلمانها دست از مصافحه بر  
نداشته اند و البته برای پایان دادن بیرونی  
مقاصت آنها اضمحلال لازم بمل میاید  
فیس سیتامبر ۱۹۳۹ را یاد آورده از  
صلح آلمان بیستون سخن گفت و اظهار داشت  
من از آنکه در راه رسد و اگر در  
انگلیسها درجه صلح خود در امر امروزی  
خود بچنگ ادامه دادند آنکه تیری  
عظیم ارتش سرخ و مباح هکفت کشور  
های متحد آمریکا بدانها بیوست و بالاخره  
این تیرها دست بدست هم داده به کاران  
را ازین برنده  
آنکه مستر چرچیل ملت انگلستان  
را بر خیز داشت از اینکه فراموش کند  
زاین تیر و رفتند  
نصت وزیر گفت ما باید اکنون  
تائیم هم خود را مصروف شکست زاین  
تائیم و سخن خود را این سه عبارت  
مهم غلنه داد: پیش رو برشتان یا بنده  
پاد آزادی زنده باد شد

بنام آقای دکتر یونس برهانی

### نکات اساسی بهداشت روزانه کودک

همان اندازه که طرز تغذیه و شیر دادن کودک در نشو و نما و بهداشت دارد همان قدر مراقبت بهداشت جسمی و فواید پاکیزگی در تربیتش مراقبت اهمیت بسزایی داشته و در دست یافتن است این امر مغفیر بر همه خود اولادین کودک میباشد.

#### اهمیت خواب و شوستانی

نوزاد انسان مثل یک کبک جوان است که استخوان ششوی نوزاد آنست که هوای سرد دارد - استخوانها نرم و لطیف است و چون کودک نمیتواند در خواب دراز بماند و هر چند ساعت بخوابد - بویله باز کردن پنجره ها هوای تازه و پاکیزه میدهد.

حکام روز درجه گرمای اطاق در حدود ۱۷-۱۸ و شب ۱۱-۱۵ باشد.

در فصل زمستان استعمال بخاری غنی بایستی در اطاق کودک مناسب نیست و بهتر است که در سینه فرزند کبک آب گرم در خوابگاه مفصل گرمای لازم را ایجاد ننماید و تکلیف نداشتن هوای اطاق گرم و در فرزند صبی شود.

**تزیین گردن و حالت و موی -**  
 با سوز در دهانه - معروف فرسوی پوسته است - سلسله نخوابد موی و عانی به نبوت رسانده که در گردن و چهار مثنوی یک عدد موجود است - نهان کویک بافت حیوانه با نام میکروب که بیشتر چاقوله و مومند و بیسارهای انسانی میباشد - پس طفل خود را حتی لبه و در فرسوی گردن شک قرار ندهد - هنگام جازو کردن اطفا کماورده - در درجه دگر بگذارید و هوای تازه که از سنگها کودک میدهد اگر از دانه برده و دانه ها را در آنتی که گردن شک را در سطح خود مکرر میزند تا عمق از آن کتید.

دیگر موضوع که با است که خصوصا در سالستان نهال - زبان شتر آمو و در آیداد گذشته و در آن اوقات - طریک کودک عیار ببرد - این شجرات مراقب نظر از میکروب عالی که با خود - دل و غل میباشد باقی شود پوست لطیف کودک را درود باقیم قرار دهد و ممکن است باعث تولد جوش و چرک در نواحی مختلفه بماند.

بنابراین استعمال تمام وسایلی که برای دور کردن کبکها و حشرات دیگر استعمال است - مانند سبوس - آبلان (آن) خود را نباید زیاد سطرط داشته و آنرا در جای خشکی قرار دهیم .

#### زندگی روزمره کودک

در کماورده طفل را بیشتر بپولاد

#### از طریح هم زار دلی دایک

دلبری نو دبه لای دلداری  
 آخ که بر دلبرو داخ بودلار  
 دایکی کویتنه به من ده مروشی  
 زور خرابه له که کم سایه دوار .  
 هدریان بهر بوچه تا اولوی  
 نهوه گرتوبه نبوته وس و پلار .  
 تاملی بهس له که کم رو خورش  
 خوجنیه بین چلم دوره ششار  
 چادی مونره ولم تیری وهای  
 داوه - گبرانه وهه خوشه پزار .  
 نا نهوه ماره بهزاری من و تو  
 نهوه هکوتنه له گوبن زهمری مار .  
 نایبه بهک له که گلت تانه کوژی  
 بیزه دایکت که منی دا آزار .  
 ده توی بیبه ژنت ؟ هه له سه برو  
 بیکوژده سینگی بهخشیر کشته قار .  
 دلی ده وینه به گرمی و به خوبن  
 بومنی سینه له بات سیوو هه نار .  
 آگری توری من داده مری  
 کازی نوش سلازه من مینی بهر کار .  
 کوچی مریش له هه مور استلیک  
 شبت و درونه و به خنه و به تار .  
 که رومی دایکی له بیچوهه که بوی  
 ده رساو نده سه جمی بهچه بار .  
 دایکی گوشت سینگی دردی کوچه  
 دلی هینابه ده وو کردیبه غار .  
 رو به عالی کچه که و هشتابو  
 دلی دایکی له بی دایگیندار .  
 که و ته هردی و له بری هانتیک  
 که می روشا و دلی دایکی به نلار  
 که و ته نیوچول - که هه لستا بوی جو  
 بیشت دسکی له دل نه گرت هاوار .  
 کوزه کم لاتی پیه در ایستاره  
 داوه کم ده ستولی بورامار .  
 تیشمان دایکه کوری چاپانه کی  
 دلی بریشینه به هیچ باری هه ژار .  
 این اشعار را که ترجمه دادر « اثر ابرج » به کردی است آقای صدق حیدری در ممبر و نایب نامه کوهستان دوم باره ارسال داشته اند .

#### شکایت واضحه استر داماد لاک

عده ای از خوانین مشرف کوهستان حسین آباد شرح مفصلی به اداره روزنامه نوشته اظهار داشته اند الاکستان (ایا) غیب شده و در تاریخ ۲۳/۱/۳۴ فریضه به پیشگاه حضرت مهابدی در عرض داشته تمامی اطفال حق نبودند - نده به ادگشتری کردند - معلوم شده و باوجود اینکه باکزه با صوفی های شده دادگشتری به شکایت آنان ترتیب اثر نداده است - امض کنندگان این مفضل انو امضه عدای علی قبادی - مسیاد آبدی و غیره است اما قاضی دادگاه الاکلیاس نده تانی که چند سال اخیر تحت تربیت مرحوم سرلک کرامتین و مرحوم سرلک ابرق نوده و مراتب خدمتگذاری خود را عرض داشته اند - بهر این شرحه شان - سید کبی شود .  
 کوهستان - انظار آن است که همه اولیای دولت توجه به دعوی به عنایت سرگردستان داشته و به محکامات حق آنجا رسیدگی نمایند .

بپوایانده تا اگر استرانی وی دهد از ده شتر سیوا تیرین آمو داخ مجاری تنس نکردد .  
 در ضمن مواظب باشید که مفضل زبانی روی یک بیلر نموده زیرا استرانیهای کودک بواسطه نرمی معده و صی که دارند شکل طریقی خود را از دست می دهند - چپا سرها و سینهها که بر اثر فشار کماورده از شکل اصلی خارج شده و به صورت نامناسب و ناموزنی درآمده اند .  
 وقتیکه طفل بیمار است بگذارید بپوئی خورد بازی کرده و خوشتر را بشوید سایه و با هر کاسی که بگوشی بی - دردی ابرو داشته - نه - مخصوصا سرها و ششها را تراحت او را مستمر کرده و باغردان بیماری و تشاخشه همراه نبرید .  
 بدوی است کودک و تمام روز نایب در بستر چای شود گذاشت - که گه گاه او را در بستر گردن بپوید منتها بایستی مراقب باشید که این حالت برای او آفادی نشود زیرا به هاسیب بزحمت ششها فراهم آورده و مخصوصا ششها که بعضی بپوایانده است که انتضی عادت او را در بخل بگیرد تا مجددا بپوایب رود .

السته مادان از این زحمت و فترت - و ده غرضه که مفضل خوشتردی بخرج داده و بگریه و واژگی کودک تریب از ندهد تا به دهی خود ساخت شده و هپهای مخصوص نوبش اندامده .  
 در اوان پنج سالگی هر گاه کودک قادر به رفتن میشود و با هر هوه سریا بایستد با نیت زیاد او را خسته نکرده و بگذارید طبیعت این طفل را بتدریج باور - با موزد وظیفه حفاظت را هتالی و مواظبت - حرکات اوست - مخصوصا وقتی که طفل میفرماید - وسط و بیض تری را هر لاکه خود را در دست راست بر لطف مراقب باشی که زمین نایستد - پنجره ها را به از ایوان آتش خود را برده شایه - با سباب

شگردک بازی نکرده و بستن و سوزن و کاره توپو نه داشته باشد ؛  
 بهترین وسیله برای محافظت کودک در اوقات بیخوابی چهار دیواری صوفی موسوم باک است که طفل را در وسط آن قرار دهد و او را بپوشد گنداریه - زیرا در این صوره طفل که اطراف آن آرامش یافته صوفی موسوم بوده است کودک خواهد توانست خود را با اسباب بازی سرگرم

سود و نفسان و ایفادن و راه رفتن را بیاموزد خود را بناموزد .  
 آزاد خود بناموزد .  
 \*\*\*

پلم آملی، سهرود (آباده کردستان)

۱۲۰

## گرد و گردستان

\*\*

دهنکام غلیه اسکندر رومی بر ایران هر چند گروه کردهم تحت استیلاء بودند. مهذا اماکن خود را از تطاول مرداران و جانشینان اسکندر محفوظ داشتند.

مت قالی که لشکر اسکندر در اطراف کردستان بویامنه . پیش از همان ناطقی که ممل لشکر بوده در تصرف نشاندند .

اصل سوم « اینکه کرد و ماد هم جدا نیستند . امم از اینکه کرد جزو ماد باشد . یعنی « مادا » اولاد دیگر هم داشته باشد .

چنانکه ابن قلان و آنتر مورخ بر آن عقیده . همد که کرد . دیلم . گبر . نبط . خز و گسرموک اولاد مادا هستند - یا اینکه کرد مرانی ماد باشد .

یعنی مادا اولاد دیگر نباشند . و سلاطین منحصراً بکرد بوده باشد . بر هر تفرقه کرد تفرقزاد نیست . و برای اطلاق کلمه ماد بر کردها مانع موجود نیست .

در کتاب عشق و سلطنت صفحه « ۷ » مینویسد که « زبانه مادها زبان کرده بوده است . اکثر مستشرقین هم دارای همین عقیده اند .

فما گروه پارس . اگر بر طبق عقیده آن بلان و مورخین کرد . او هم پسر ماد باشد . در این صورت با کرد برادر خواهد بود .

و اگر پسر گورم یعنی کیورس باشد در این صورت پارس برادر زاده ماد

## (ماد و مادستان)

بطوریکه سابق هم در شماره دوم نامه گوهرستان اشاره شد . و در بدینجمله از بخش یکم از کتاب « تاریخ سهرود » مفضلان کرد هم یک گروه « ماد » عبارت از فرقه دوازده هم سیزده فرقه از تواد آری است که هنگام تفرق و مهاجرت به نواحی رومی و آذربایجان آمده اند و در آن نواحی سکونت گزیدند و آن ساکنان « مادستان » میمانند .

بطوریکه مرحوم نجم الدوله در کلیفای انقیرانی نوشته مرز کشور ماد از این فرات است :  
دوست شمال به خرو . دوست غرب ارمنستان در سنت جنوب ملکه پارس و سوزیان « یعنی خوزستان »

## شورای عالی قضائی

بمنظور دفاع و تأمین حقوق عموم به موسس مشترکین و خوانندگان گرامی روزنامه گوهرستان از تاریخ پانزدهم اردیبهشت ۱۳۲۴ در دفتر روزنامه گوهرستان مجلس مشاوره قضائی تحت نظر آقای قبادیان وکیل درجه اول دادگستری و سه نفر از وکلای درجه اول دیگر تشکیل گردیده است .

کارکنان روزنامه گوهرستان با اقدام به تشکیل و تأسیس شورای عالی قضائی میخواستند از هر گونه تعدی و تجاوزی که نسبت به خوانندگان و مشترکین این روزنامه میشود عملاً بوسیله وکلای زبردست عضو این شورا در حدود مقررات مشروطه جلوگیری و دست متعبدان را از هر کس و هر مقام که باشد بوسیله معاکف نهائی و با مراجع اداری اعم از لشکرکی و کشوری کوتاه نمایند .

برای توضیحات بیشتر با ما مکاتبه کنید .

از لحاظ مرتب رسیدن روزنامه های سندج از این شماره میباید روزنامه و سرله نمایندگی نامه گوهرستان آقای عباس آزاد پور ارسال میکردد .

مترکین محترم سندج میخوانند . برای برداشت وجه اشتراک هم پیشان مراجعه نمایند .

« هالین » سرحه آسیای منیر که آن را رود « قزل برماق » نیز گویند و داخل دریای سیاه میشود .

و شمالاً یعنی سمت بالای تنه دریای خزر . رود ارس و جبال ارارات را متاثر میسازد .

و جنوباً یعنی سمت پائین تنه سرحه پارس و خوزستان . در این تجدید بردستان بزود مادستان است .

اگر ما بخواهیم که کردستان از مادستان مجزی کنیم حدود مادستان اینگونه میشود

غرب ارمنستان و کردستان و جنوباً خوزستان و پارس

شرقاً افغانستان

شمالاً ترکستان و دریای خزر

این حدود مادستان حائلی است که منقسم بدو قسمت بوده . یکقسم « ماد پردگ » که عبارت بوده از عراق عجم یعنی - کردستان و همدان و قزوین و ری و عراق و نهاوند و املان و غیره که لرستان و مازندران و خوزستان هم جزو این قسمت است .

« ماد کوچک » که عبارت بوده از سرحه آذربایجان - مرکز سلطنت مادها پیش از کیباد کرد « تیسفون » بوده . تقریباً « ۲۵۰ فرسنگ در جنوب بنهاند . در شمال شرقی « دجله » که آنجا را (مادان) میخوانند .

بنده تعریف بفرمایید . شده است

دوران کیباد کرد که دولت ماد را بطور رسمی تشکیل داد پایتخت کشور ماد شهر اکیاتان شد یعنی همدان کنونی که آن را « شبر سبز یا شبر سهر » نیز گفته اند .

و تازمان اشرف سلطنت « آذرباک » چه مادری کوشی کبیر هاتجا پایتخت ماد برداشت .

در زمان کورش هم مدعی همدان . بند « اکتان یعنی اصفهان کنونی . پایتخت کشور ماد بوده است . فرمان کورش جامع بشهر « بیت المقدس » در فتراته آنجا پیدا شده . چنانکه در تورات

در کتاب عزرا « یعنی فرعیل فصل ششم صرح است . و همین دلیل است که سلطنت کورش را سلطنت ماد گفته اند . و توانسته اند سلطنت وهفاشش « بگویند . چنانچه بند ذکر میشود .

### اخبار شهرستانها

پیاپی شماره ۲

#### اخبار سقز

۱- وضع شهرداری سینار خراب است نرخ نان گوشت و غیره وضع خبی دارد خوبای بانی شهر نظافت ندارد سرق مته است خراب مردم شبها از روشنی چراغ های این استفاده می کنند

۲- وضعیت فرهنگ را خوب و بعضاً مساعد است روز به روز تعداد داوطلبان تحصیل کتر میشود بطوریکه تعداد داوطلبان از ۵۰۰ به ۱۲۷ نفر تالی یافته که لاسهای اکایسر اسی پیش نیست

۳- و چون برای دبیرستان فرستاده میشود بصرف تصویر نرسیده بآن ای در حرف اهدام است

۳- تلگرافها و نامه های پستی اغلب پس از اسانوسوهم رسیده میرسد

علامه سقز را محیط مرکزی از احاطه کرده است

#### اخبار کرمانشاه

۱- روز سه شنبه ۱۳۲۲/۱۱/۱۱ از طرف حزب توده متینگی داده شد متینک در ساعت چهار و نیم به اداره مطبوعه شروع و بدون اینکه اتفاقی بیفتد خانه بیرون رفت

۲- آتای سرهاکش در خانه شش نفر مانده تیب بگری از سرهاکش شده سرهاکش نرسد

باید به ایشان بگرماتشاه وارد شد

۳- اخبار اشاع شده که میخوانده ۷۵ دوجه از کازمندان دولت را بقت لاسیل بودجه از خدمت ماف نمایند این شایعه در روحیه عموم کارمندان تاثیر واضعتراب خوبی و اثر مهم نداشت

#### اخبار سنندج

۱- وزارت خلع سلاح بدون مالکین رسول آتای مده مده مورد سه ساروتی قرار گرفته ستاروت فراوانی دیده این اتفاق در تاریخ ۱۳۲۲/۱۰/۲۵ (پنجم ماه مومع که ستاروت رسماً اعلام داشت کوجنترین جادونه ای روی نمانده) واقع شده

۲- برق سنندج قریب بیگاماست

پکای از کار گرفته و آن چهار نفر ای نور ساینه و دیگر کفاره می ندارد

در ۱۳۲۲/۱۰/۲۵ برهاری نام بردند

در دهگان زیر اوتوبیل رفته و ممرض تلاش کت است

### خلع سلاح

\*

برابر اعدامات شاد ارتش و عملات خلع سلاح لشکر کردستان تعداد ۴۱۶ قیبه تنگ پنج تیر ۲۳۸ قطعه سلاح سیستم مختلف تاگون ج آوری شده و عمل خلع سلاح در کردستان ادامه دارد

\*\*\*

این دور خبر رسمی که هه گذشته و چراغ مرکز منتشر شده بود اگر کسی مطلع نباشد قطعاً بر حوم آورنده این اسلحه های مهمت سوزان حسین خواهد گفت و بر شایع تفرسات او آفرین خواهد فرستاد

شاید در اصطلاح علمی و فنی «خلع سلاح» جمع آوری اسلحه های مجاز دولتی اطلاق شود ولی در اصطلاح عوام «خلع سلاح» جمع آوری اسلحه های را گویند که برخلاف مصالح امنیت یا امنیتی بکار برده شود

اگر جمع آوری چند تنگ پنج تیر کپته را از مالکین شهری که آن اسلحه ها را برای حفظ امنیت قسمتی مالکیت بکار میبرد بتوان خلع سلاح امید تلقی کوهانی را هم که با سایر یا سرسازان پس از انجام خدمات شهری و تسرین بعداً با باز تحول میدهد باید خلع سلاح گفت

با وجود اینکه در این ملکات بازخواستی در میان نیست چرا مامات رسمی بخود خدمت میدهد باین اخباری را منتشر کند

مگر وقتیکه کاری نباشد میجووند غیر بیراهه بنا واقع قضای دولتی است

که با باین اخباری شده ای از سه ماه ن ملکات را باغی باره دهند

اگر برای تثبیت مقام دولستان است خیرا را در نظر بگیرد و بگوید اگر این اسلحه ها جمع آوری نباشد اگر در بیله حکومت مرکزی قیام میگردند نه تنها استقلال کرد را از هم نبوده بلکه بیان حکومت مرکزی را نیز منزل می مانند

باین سادگی و معترضی که نوشته میبود چندانی اثری ندارد زیرا اتفاقاً در کپه

چراغ مرکز با حرف و زبیرم چاپ شده بود و چندانی جلب توجه نمی نمود

### آگهی - ضرورت

تاریخ ۱۳۲۲/۱۰/۱۵ آتای غلامی (اتحادیه) شناسنامه شماره ۲۶۴۸ باسنده یکبرگ گواهینامه و رونوشت شناسنامه دادخواست شماره ۱۳۲۲/۱۰/۲۸ داده باینکه مرحوم عباس اتحادیه شرقی دارنده شناسنامه شماره ۳۸۴۸۰ جایگاه هیستکی او در متوفی بوده در تاریخ شهریور ماه ۱۳۲۲ درماکو شهید شده و ورثه متوفی منحصراً پدر و یک پسر و یک دختر منحصراً میباشد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شاعتهای روزنامه آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نودن ممرضی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه ای از متوفی دارد در طرف مدت مزبور ابراز و الا هر وصیتنامه غیر از رسمی و سری ابراز خود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود

رئیس کل دادگاههای بخش تهران - امامی اهری ۳-۱

### آگهی - ضرورت

تاریخ ۱۳۲۲/۱۰/۱۲ آتای محمود بیگ شناسنامه شماره ۱ طبق تقاضای شماره ۲۰۴۷ مورخ ۱۳۲۲/۱۰/۲۳ اسناد یکبرگ گواهینامه و رونوشت شناسنامه تقاضای گواهی نامه ضرورت شده می توضیح که مرحوم سی میرزا احمد بیگ در دارنده شناسنامه شماره ۲۰۷۸۸ در تاریخ ۱۳۲۲/۱۰/۲۲ در تهران درگذشته هیستکی خود وقت یاد و وصیتنامه ای پس و با و ان فاطمه بیگ زاتر شناسنامه شماره ۲۰۷۹۰ و تسرت بیگ زاتر شناسنامه شماره ۲۰۷۹۰ و زهرا مهرودی شناسنامه شماره ۹۰۰ دختران متوفی و وارث منحصراً میباشد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه کشور شاعتهای و یک ای از روزنامه های مرکز آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر این آگهی و نودن ممرضی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه ای از متوفی دارد در مدت مزبور ابراز و الا هر وصیت نامه غیر از رسمی و سری ابراز خود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود

رئیس کل دادگاههای بخش تهران - امامی ۳-۲

### آگهی - ضرورت

تاریخ ۱۳۲۲/۱۰/۱۵ - آتای سه صدی رضوی بوکات از طرف شاطر محمود دول کرام زاده باسنده یکبرگ گواهی نامه و رونوشت شناسنامه دادخواست شماره ۱۴۴/۱۰/۱۵ داده باینکه مرحوم شاطر علی خردی بخش نزاد ج دارنده شناسنامه ۱۰۰۵ در تاریخ ۱۳۲۲/۱۰/۲۳ در تهران جایگاه هیستکی خود وقت بابت وایو زاتر در تاریخ ۱۳۲۲/۱۰/۲۳ در تهران شناسنامه شماره ۲۸۴۵۵ در روزنامه وارث منحصراً میباشد و بمایا و زهرا و فرح بخش نزاد ج دارنده شناسنامه شماره ۲۸۴۵۵ در تاریخ ۱۳۲۲/۱۰/۲۱ در تهران جایگاه هتکی خود وقت با و ان فاطمه شاطر محمود و محمدجعفر و لغضاف منحصراً میباشد پس از شنیدن ممرضی و وارث منحصراً میباشد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شاعتهای و روزنامه آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نودن ممرضی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه ای از متوفی دارد در طرف مدت مزبور ابراز و الا هر وصیت نامه غیر از رسمی و سری ابراز خود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود

رئیس کل دادگاههای تهران - امامی اهری ۳-۱

اشعار و ضربات الهی کردی را که برای درج در رساله های فرماید خواهشمند است با خط خوانا مرقوم دارید که در موقع چاپ بدون غلط باشد

در تاریخ ۱۳۲۲/۱۰/۲۶ در تبریز دعوتی به وسایه ساروتی مسلح بره و وزیر دولسل دیوانه مردم در نتیجه یک نفر زانه را منقول بفرغرضی و معناری امانت اموال باقرت برده شده است

# نامه ها و شکایات وارده

## از سه چشده

آقای حیدر آقا فرس ایل جردانو  
از انتشار نامه کوهستان اظهارسرت نموده  
است.

## از مرتاضه

آقای حامد محمد ابن رحیم زاده  
ضمن نامه ای از انتشار نامه کوهستان اظهار  
خوشنوی کرده است.

## از سقز

آقای حامد علی میرطلنگ رانی فصلی  
خود را پس بریده و بیسایه ای گردانیده و  
و خوشنوی در وقت سرتی سوره است.

## از اهلبان

آقای بابزید آقا ابوالحسنی نویسنده  
با کمال غلب و مضمونی صمیمیت نشان داده  
نامی کوهستان را خود و تمام کرده و  
بسیار واد بیان ایران تهنیت میگوید.

ای پسر دم خداوند بزرگم خود حضرت عالی  
و سرسرا کمان آید و راه طوری موفقی  
فرماید که این صباح هدایت روز بروز  
منورتر گردد و بیدل صبح سعادت خود  
گردها در پرتو خورشید تابان صباح و  
روشنای های آن بشاهراه خوبی میسر  
شاهسای هم رسیده و بر آن مالک شوند  
و بیگسگی دوروی با سر کزای خود را  
پشتانای با پاینده لنگت هم نام لای  
اومرسلکنی با نظر اومده اند که حاکم  
مهر پوری باغه بزرگمان سلفه کردستان  
نگاه وهم کرده با طر کمر زندی خوش  
بهر آش گشته و صحبت دولت را بخود  
منوجه نمانند...

## از تبریز

آقای خسرو ذوالفقاری دانش آموز  
سال ششم متوسطه دبیرستان فرانسوی  
کافه قهوه و باجلا و عیارانی که  
تراش احساسات می آرایش ابلیس  
می آید ما را از انتشار نامه کوهستان  
تیرتکت انداخته و مقالات که نماینده  
افکار پلک سده ما جوان گرد است ما را  
پیش ازین ایدر میبکشد و با دامه این  
خدمت عمومی تشویق بنمایند.

## از خاشویه

آقای کبر روزا با شماره بسواق  
خدمتگداری خود و طایفه روزا اودات  
تقدیر مبتدیان که نسبت غارت و خسالتی  
که بدینکده میراند وارد آمده تو جوی  
میلور فرمایند.

## از سقز

آقای سلیم روزا و سترام بسوق  
استانده ای که در دوچه بندی تونون در  
سال ۱۳۲۳ شده بر نویسنده در موفقی که  
تونون جاشرو دولنگر ای فریسیه بیات  
رضایه میباید نموده و حاضر بودن تونون  
و اطلاع داد رئیس مامیت مواب داده  
تونون خریداری بشود چند روز بعد کظم  
نامی و اهرام و بخرند تونون در ۴

مشغول و ابرار همان رخ سرد و باشرا  
پرداخت ولی در موقع حسب بادیوت همه  
در وجه حساب آورده و فقیهه این نشر  
بسر که اطلاع داده بشود و از رئیس دعایان  
توضیح بخواهند جواب میدهد که اگر در روز

از لعله مارا مجبور بچینن علی نموده است  
آقای سلیم روزا دوست در زبانان  
اظهارات نمود از ادواتی نمیداند که این  
قسم مورین را بیشتر تحت ارباب و اوزی  
فرار داده و در موابدی که بینه اظهاراتی  
نمیداند بدون دت و رویدگی کامل به  
صرف اظهار غرای از حیثت و ماجرا -  
جویانه مامورین اگر ادرار شرح نموانند

## از سنندج

آقای حاج سیدهاب الدین نشسته ای  
از انتشار نامه کوهستانی اظهارسرت و از  
مفلات جناب آیت الله اظهار استمنان و  
سیاسکوزاری نموده است.

## از سقز

آقای جلال جزای از انتشار نامه  
کوهستان اظهارسرت کرده است

## از رضایه

آقای خلیل حیدری از انتشار نامه  
کوهستان اظهار خوشنوی کرده است

## از سنندج

آقای حاج محمدعلی از انتشار نامه  
کوهستان اظهارسرت نموده است.

## مضامین نام کوهستان

برای درج شکایات و پیشنهاد

های اصلاح طلبانه شما باز  
است.

برای این که بتوان

کلیه شکایات وارده را درج

نمود از خوانندگان محترم

تفاسا میشود حتی التفتور

با مضمات پردازانته زیرا ما

مالیم عین مطالب رسیده

را چاپ کنیم در صورتیکه

مفصل باشد ناچاریم آنرا

خلاصا و در چاپ کنیم

شکایات وارده هر قدر

مختصر تر ویر منصف تر باشد

مؤثرتر است.

ببودن اینها مباح بکنند ؟

خان کولاندا گرچه از هیچ چیز بر خود سوسری اشکات نداشت  
ولی هراس کتک مناب و طعمهای جنونا خاطر میآورد و مادرش جن  
میداد که آقدر از آن نابل باشد چه زمانی که با وی استراحتی نکرده چه  
مضامین را هر ای که آفتک و قابض را چه به سایر نامه بر کرده است  
با این افکار از حرکت نمودن از میاها هم پیشین شده  
خواست در فک را متوقف کرده درباره به سایر نامه بر کرده است  
و هفت زبانه ای که زنده نماند که در فک دور بزده بیاکه دو فک  
بزرگت سوسرت از افتادن اینها جلوگیری کند هراس ناچار از تصمیم  
خود تصرف شد

خان کولاندا ساکت نشسته دیگر گریه میکرد هراس برای  
جلب رضایت مادر چواری هر پورش و مصلحت از شطاهای خود نیافته  
بسیار عداوت و ملامت و ملامت و ملامت و ملامت و ملامت و ملامت  
شمارا بشغور آورده خاطر گرفت و متأسفم و از این که بارها نابل  
اینکه بی ملاحظه گستاخانی صرف زهدم پیشانم و انگوی من از  
کجا میدانستم که از آن آید میانه  
خانم کولاندا در این زمانه بی حرکت بر جای ماند اما میل نداشت  
با این آسای از عده های بشرش چشم پوشی کند و این پرورش هابری  
تسکین خشم او را کانی بود

هراس نه از این اشتباهی مادر ماملو شده بود دیگر حرفی نرود  
دلیل سخن را هم نکرند

خانم کولاندا گت بیست گتان میکند به خواب و در خواب  
بزیقید شما در این چند روز دیگر اختراعی برای من بنویسند که  
شما چ به بزموس ای های خود نگرسی کشد آن او را در مادر در  
شاهی جهز و غیر است و در فارو علیان شاه است دانگ کرده است و در  
اینجا خان کولاندا نتوانست از عرض اشکهاش جلوگیری کند هراس  
لحن ناخوشانه مادر جان چوین نگویید

خانم کولاندا به با صدای اشک ۲۰۰ آهین گفت: آری مدتی سکوت  
گرفتم و خود سه بهای فشارا تحمل کردم و اینک نتیجه اش را می بینم هراس  
در حال این صاف جواب نیافته اما با سکوت اختیار کرد سپس از حالت  
افسوس گذشت و در جوابش ناخوشانه سر را بگریخته و بر شکره کشیده  
فرمانگر فرمودت

اوسر زنش های مادرش مادت کرده بود اما این بار شاهنامه افک  
های اود کرد او را بیختم میفرسد بشن گوش را گرفته با آورد که  
فقط بگریزد دیگر روز نه گانی سب کره مادر هفت است به طر با آورد  
آن مادر را که به پاری یعنی سنبل شده در پیش افتاده بود و لسی در ای  
لحن نشانی بود باد میآورد آن شب مرزا که مادر تصدیح کردارش به او  
میباشد و او را بر داری میگرد سپس خاطر آورد دوری را که با او از حیث  
اوطاع میبود کرده و روز بعد را که بزرگ بود داده بود بعد آن مرض  
و رفع شد و بعد کظمی خواهد یافت و خاطر آرد آن در شبی را که مادرش  
آورد در گوش گرفته در سینه به نشد و از دست ای شک بیختم  
خود بود کارا هزاران بار شکر میگرد آنکه هراس خود میگفت آبا اگر  
مادر میبایست که امروز اینقدر آورده خاطرش خواهد گرد پاهم برای

## مراجعت فرمانده لشکر کردستان

\*

در شماره ۱ و ۲ روزنامه کوهستان مورخ ۲۷ فروردین ماه موقی که فرمانده لشکر کردستان بر کراخاوا شده بود چند مطلب را تذکر دادیم که در اطراف آن ستاد ارتش تجدیداتی بنیاید حال که ایشان مجدداً بکردستان مراجعت کرده اند؛ بیّناتاً از ارتش تعقیبات لازم را ننموده پس بایشان اجازه مراجعت داده است.

اینکه ما از ستاد ارتش تانها میباشیم که نتیجه تعقیبات خود را برای روشن کرد، مطلب در معرض افکار عموم قرار دهیم تذکرات شماره ۱ را بدورت سؤال طرح کنیم؛

۱- علت پشتیبانی فرمانده لشکر کردستان از محمود کانی مسالنی که ملأ قدم صلاحیت و حیثیات او از طرفت مقامات دولتی در مجلس شورای ملی اعلام شده چیست؟

۲- سبب و افکار جابجایی او، به چه طریق و وسایط جابجایی او شده، بطور دستگیر شده است و چه جنسی روی داده؛ چه جنسی بدست آمده و بنام حساب چه شخصی منظور شده است؟

۳- بدلت و تفراری فرمانده لشکر کردستان با مردم چیست؟

۴- قضیه حبس جلالی و توقف او در منزل فرمانده لشکر در موقی که ۱۱ کلاه برادر است تعقیب مقامات دولتی بوده و بعداً چه نتیجه و سبب حبس ۱۱۵ نفر فرار داده شده تعقیب دارد یا خیر؟

سؤالات دیگری هم هست که پس از وصول پاسخ ستاد ارتش به این چند سؤال طرح خواهد شد.

از ستر

## شکایت از رسیدن سهمیه

وزارت جلیله دارائی و نوشت مجلس و نوشت هیئت وزراء و نوشت کوهستان از تاویع انتقال آقای سالی به امور استادی کراستانهاست نسبت انظم زا رعین کلبانی که حفا و اوئانا رکن عامل ذراعت باغتر هستند و نسبت سهمیه از ران عمومی مناج الیه دولت را تدارک و تحویل میکنند از برین سببه قند و شکر و چای و نمک و معرود مانند نمک و سهمیه آبها نصیب و اشغالی شده که در اجابم مقامه شرم و نظرهاى خائسانه صالحی شرکت داشته اند که این توزیع شکر و چای و قنای برای افران بزرادین و تشویقین طایفه بوده بچه منظور تبریح در آن کرده اند.

آیا دولت برای ذراعین کلبانی سهمیه قائل شده یا غیر دوسورت اول چرا بانگ داده ننمده و در صورت دوم چرا به بعضی که نظر آقای صالحی را تامل کرده اند داده شده آیا این تبریح یا مر دولت وده بانظر صالحی و ذلت آن چیست و پیش از این طایف تحمل این اجحاف طائفاً صالحی غیر صالح را نداشته و تاضای افروری توزیع سهام گدانه و آتی خود را داریم.

علی اکبر نیادی - سالار نیادی - صادق کریمی - ابراهیم کریمی.

## تذکر دوستانه

در اینروزه اخبار مقالات زیاد و شرحی همسوی از نامه مکتبه گریستن بداره نامه دوستان رسیده و رسانای که با مضمی «مسود کرد» در روزنامه آژن اعلام نگاشته شده بود شد؛ با اثرش و اظهار گرفت نوده بودند؛ ما به مندرجات روزنامه آژن اسلام کلامی نداریم و روی دوستان میباشیم است که مقلد همزبور را خوانده و معصوماً بپردازان کردارت که از خود نم آن اظهار توبه نوده و تاها از نامه مقالات اعتراض آفریشان درج شود.

ما با کمال خوشحالی ما میبیم کلیه مطالب و مقالات وارده و درج کنیم ولی خودصاف خواهد فرود که بکلیت کسب سلخات نامه کوهستان نیز تمام که علاوه ای تمایل خود چه علم هم و از آقایان م. ر. م. میخواهیم که ترانسیم مقالاتشان را که در این وقت از نامه و در چاپ کنیم. تا غنا بیدگت در دل شرمین

آزادی علم این شده که هر کسی هر چه دلش بخواهد بتزیه و از هیچ وجه در مقام صلاحیت داری که نسانه ملاحظای نکنند ما در موضوع مماله ذی ذلت که نسبتی که با ذی استاغه داده شد یعنی نسبتش زیرا بقیه ما اینان استیجابی که معالی و بدافع نادر آژنسی که آژن ایشان را داده باشد خود خود تفاوت میکند؛ ما میخواهیم در این موضوع ضللی باز کنیم که با ذهن دیندستی پیش پایند.

در این موقع که چون سوی صلاح و صفا پیش ببرد و همه جانزدنق دوستی صحبت است و در سببها بقراری صمیمت و دوستی است که ملل بویوتی همه میسرند

به چیز جریبانی و بیچارگی مارا و ادای می کند زیرا که بترتیبی که در این جای نوشتن معالی که موجب تلق و کینت است ایامی در دست بکرهائی بزییم که مودت دوستی را بیشتر کند چرا باید وقت خود را صرف این نسبتیم که اگر کسی چیزی نوشتند؛ نسبتیم؛ اویم بقیه؛ بد نوشته؛ نتوانند فلان و فلان است چرا اگر واقعاً توانایی حسن نیت داریم نباید اگر نوشته و سایر بخشیده باروش عالمانه و منشی از اثر بن آن نوگیری کنیم

نوشته هر قدر متن تر و مودتانه تر و مکی بدلیل و منطق باشد ارزش بیشتر دارد و بازرگفتن و ناسزا دیگر خریدار ندارد و اثر هم ندارد. ما معتقدیم که هیچگاه نباید مسائل

## استقلال کرد

بانه از صفحه ۱

۴. هشتی برای رسیدگی و تحقیق مرتکب از ما بودیم. این با کدام با سا، و ندمگر اوره بی غرض چنین هیئت نام نواهی میگردند در ارضای تمایزهای مردم دولت مامورین دولتی - احساسات اکراد و غیره را تعقیب میکنند نتیجه تعقیبات خود را گزارش میدهند مشروط باینکه این گزارش هم پس نوشت گزارش آقای فیسی دچار نشود.

حال اگر در بیان چندین علاقه و جنبش در خود سراغ دارد این است میدان و این هم گوی. اگر این دولت هم مانند سایر دولت های گذشته است دیگر در درس روزنامه کویان رضایی، برای تهیه این قبیل موضوعها، برای سرمایه بیبوه است و مهم وقت خود را بیعت در اطراف آن تلف میکنند و از شماره ۱ آمده به سبب اساسی دیگر می بردیم.

عمومی را باغراض شخصی آلوده نمود بلکه وقتی موضوع مطرح است اگر کسی ایرادی دارد باید سادلیل بیان کند و مردم قنات و نماینده معالی و این می توان از نتایج استناد نمود و الا سوابق اشغالی را بیان آوردن و بیبراهنی بآن بسن تجسایم این خواهه شد که در خسران هم هیئت علیرا با بخش منترش بنیاید.

مثلاً اگر آقای مسود کرد مقاله ای خارج از تراکت در روزنامه ای منویسه بکتابچه پیدا میشود که اعلامیه بلند بالایی چاپ کرده در دستنخ منتشر میکند و سوابق برای ایشان بیان میکند مثال ما از آقای مسود کرد میبرسیم چه چیز واقعاً اجاب میکند که این فعل را شا بهر این فصل بدینگی کردستان بنیاید؟

مانند بنیاید این حرفهای کودکا که را کسار گذشتی چه با بزرگسالان این و آن فرار نکردت و بجای این کارها مطالب مفید را طرح کرده و ذروه اصلاح اوضاع بلاکت باور کردستان قدم برداشت ما این تذکر دوستانه را میبیم و انتظار هم داریم؛ خواهش ندان ما بر از دقت در صورتیکه معنی متن است قبول کنند و بکار بندند و از ندهند خواستاریم که بیوسه مسار را راه راست هدایت فرماید.